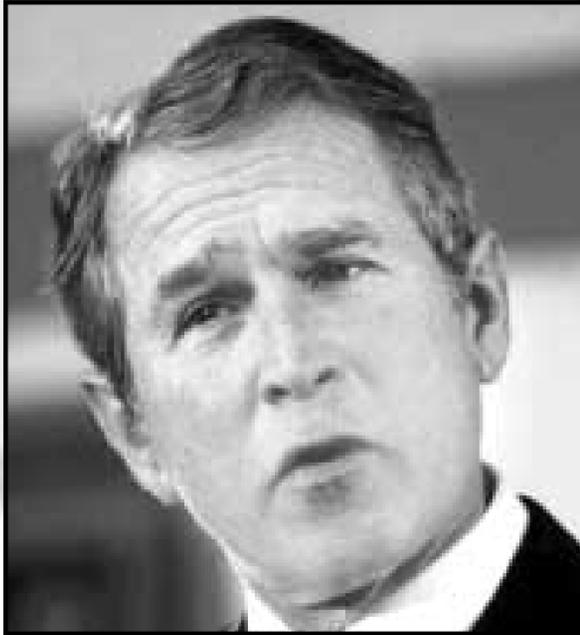


جایگاه امریکا در منازعه هند و پاکستان

بیش از یک دهه است که واکنش امریکا نسبت به خصومت و دشمنی میان هندوپاکستان مانند عملکرد پلیس نسبت به نزاع و درگیری جزئی میان گروه‌های خیابانی بوده و هشدارها و تلاش‌های دیپلماتیک این کشور تنها بر روی مسائل کم اهمیت متمرکز شده است. در این میان نمایندگان و ماموران امریکایی که برای حل این مناقشه انتخاب می‌شوند براساس میزان زوربازو و ظاهر جدی و خشن برگزیده می‌شوند تا به محض ورود به محل مناقشه با تحکم دستور دهند. خوب



بچه‌ها بهتر است به دعوا خاتمه دهید و سپس درحالی که شانه یکی از طرف‌های درگیر را با خشونت می‌گیرند از وی بپرسند: توکه نمی‌خواهی واقعا دست به یک فاجعه هسته‌ای بزنی، مگر نه؟

براساس طرح امریکا در اوایل ماه ژوئن معاون وزیر امورخارجه این کشور یعنی «ریچارد آرمیتاژ» که یک وزنه بردار قدرتمند است وارد «دهلی‌نو» و «اسلام‌آباد» شد تا نقش خود را برای میانجی‌گری و جداسازی دو کشور متخاصم ایفا نماید. وی نیز مانند «اربرت گیتس» مامور سیا در سال ۱۹۹۰ و «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور امریکا در ۱۹۹۹ تلاش کرد جنگی را که اکنون احتمال دارد در مرزهای هند و پاکستان صورت بگیرد، به تعویق افکند. این در حالی است که بحران جدید با مشکلاتی که دیپلمات‌های امریکایی توانسته‌اند در گذشته حل و فصل نمایند، تفاوت زیادی دارد.

حادث ۱۱ سپتامبر و بعد از آن همانند تهاجم شوروی سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹ منطقه جنوب آسیا را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. در میان تمام مسائل، جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا بهانه خوبی برای رقابت



هند و پاکستان شده است و قدرت امریکا که به صورت استقرار هزاران نیروی این کشور در سراسر جنوب آسیا و آسیای میانه تجلی یافته نقش مهمی در طرح جنگ یا صلح میان «دهلی‌نو» و «اسلام‌آباد» دارد.

با این حال نقش امریکا به عنوان میانجی میان دو طرف دچار تغییراتی شده است و سرمایه‌گذاری‌های جدید و گسترده واشنگتن در منطقه این کشور را نه تنها به یک واسطه، بلکه به یک عامل مهم تبدیل نموده است. این تغییرات در کنار ترس و نگرانی از وقوع جنگ چهارم میان هند و پاکستان مقامات دولت «جرج بوش» رئیس‌جمهور امریکا را وادار به انجام تماس‌های تلفنی بین‌المللی برای کاهش تنش میان این دو کشور کرده است. نگرانی که در مورد وقوع جنگ در منطقه جنوب آسیا به وجود آمده، باعث شده است تا عملیات امریکا برای نابودی القاعده و جلوگیری از انجام حملات تروریستی جدید علیه خاک این کشور به مخاطره بیافتد. این واقعیت خطری را که در کمین مردم عادی امریکا است آشکار می‌سازد. در این بین نیروهای

پاکستانی که باید برای جست و جوی افراد «اسامه بن لادن» رهبر فراری «القاعده» در مناطق مرزی افغانستان مستقر شوند به عنوان نیروهای ذخیره برای مقابله احتمالی با سربازان هندی به مرزهای شرقی پاکستان بازگشته‌اند. علاوه بر این ماموران اطلاعاتی پاکستان به جای جست‌وجوی شهر «کراچی» برای یافتن اعضای «القاعده» که به دنبال انجام حملات انتحاری هستند به دلیل نگرانی در مورد حمله هند به شبه‌نظامیان مستقر در کشمیر تحت کنترل پاکستان تمام توجه خود را به این معضل معطوف ساخته‌اند. در این میان در صورتی که میان دو طرف جنگ هسته‌ای رخ دهد صداهاتن از سربازان امریکایی که به تازگی وارد منطقه شده‌اند کاملاً در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرند و هزاران تن از آنها به رادیو اکتیو حاصل از انفجار هسته‌ای آلوده می‌شوند.

آنچه مسلم است جنگ علیه تروریسم به دلیل بروز خشونت در کشمیر تحت تاثیر قرار گرفته است. در این منطقه گروه‌های تحت حمایت پاکستان و نیروهای هندی به درگیری‌های کینه‌توزانه و شدیدی دست می‌زنند. این در حالی است که امروزه کشمیر و مناطق اطراف آن یک تار عنکبوت سمی و خطرناک را در نزدیکی مرکز عملیات امریکا علیه القاعده تشکیل می‌دهند و هر روز باعث پیچیدگی بیشتر اوضاع می‌شوند.

درحال حاضر هندوپاکستان به دنبال افزایش تنش‌ها تنها روی یک نکته توافق دارند آن این‌که برای کاهش بحران دولت «بوش» مجبور است تهدیدات و خطرات امنیتی را که دو همسایه را دچار مشکل ساخته، به طور گسترده مورد توجه قرار دهد و به حمایت مخفیانه پاکستان از شورشیان کشمیری خاتمه دهد. عملیات‌های تروریستی را که بین دو کشور صورت می‌گیرد متوقف سازد، در مرزهای کشمیر ثبات ایجاد نماید و حتی در مورد سرنوشت این منطقه بحث و گفت‌وگو کند.

آنچه مسلم است خطر جنگ در منطقه جنوب آسیا در کنار نیاز به تلاش‌های دیپلماتیک در خاورمیانه محکی

نگرانی که در مورد وقوع جنگ در منطقه جنوب آسیا به وجود آمده، باعث شده است تا عملیات امریکا برای نابودی القاعده و جلوگیری از انجام حملات تروریستی جدید علیه خاک این کشور به مخاطره بیافتد

برای آزمایش محدودیت قدرت و توانایی امریکاست. در عرصه نظامی دکترین اساسی این است که طراحان پنتاگون مجبور هستند برای انجام دو جنگ هم‌زمان شدید آماده باشند. اکنون برای دولت بوش مشخص می‌شود آیا قادر به کنترل دو بحران شدید دیپلماتیک در آن واحد می‌باشد یا خیر؛ که البته حقیقت این است که تجربه و مهارت واشنگتن در مورد مسائل جنوب آسیا کمتر از سایر مناطق دنیاست.

در این بین، روزانه تحولات ناگهانی و غیرمنتظره‌ای در مرزهای هند و پاکستان رخ می‌دهد. حدود یک میلیون سرباز که به موشک، تانک و هواپیماهای جنگنده مجهز هستند، در دو سوی مرز طولانی دو کشور جمع شده‌اند. صدای درگیری‌های مسلحانه روزانه منطقه کشمیر را به لرزه در می‌آورد و ترور و انجام عملیات‌های بمب‌گذاری طرف هندی را دچار مشکل می‌سازد و سیاستمدارهای جنگ طلب در دو کشور نیز خواستار اتحاد ملی می‌شوند. آنها با سفر به کشمیر و مرزهای بیابانی «راجستان» به بررسی نیروی پیاده نظام خود می‌پردازند و با حضور در جایگاه‌های ویژه هنگام نمایش مهارت خلبانان خود برای بمباران مواضع احتمالی دشمن به تشویق آنها می‌پردازند. از سوی دیگر در انبارهای نظامی سری‌دو کشور مهندسان و کارشناسان، انبارهای سلاح‌های هسته‌ای خود را برای احتیاط آماده می‌کنند.

در حالی که صدای طبل‌های جنگ میان هند و پاکستان بالا گرفته است دو کشور تلاش می‌کنند تا باعث سردرگمی امریکا شوند که این امر به وسیله سفارتخانه‌های امریکایی در دهلی‌نو و اسلام‌آباد که با یکدیگر رقابت و دشمنی دارند تشدید می‌شود. به گفته اعضای این سفارتخانه‌ها گزارش‌های روزانه داخلی آنها مملو از بحث‌ها و مشاجرات غیر عادی و اتهام است. این درحالی است که هند و پاکستان هر دو دخالت امریکا را می‌پذیرند و دستور العمل‌هایی را نیز برای مقامات امریکایی صادر می‌کنند که اکثراً ماهیتی آشتی‌ناپذیر دارند. به طور مثال «محمد علی دورانی» ژنرال بازنشسته ارتش پاکستان که یکی از اعضای انجمن ژنرال‌های هندی-پاکستانی و دانشمندانی است که به منظور برقراری صلح اقدام به برگزاری نشست‌هایی با حمایت دولت‌های خود می‌نمایند ابراز می‌دارد: لازم است امریکا کمی موثرتر و قدرتمندتر عمل کند، زیرا خطر جنگ تشدید شده است. آنها باید سختگیری بیشتری نشان دهند و به ارزیابی موقعیت پرداخته و مشخص کنند کدام طرف مقصر است یا آنکه علت وقوع این بحران چیست.

اینها پرسش‌های پیچیده و خطرناکی هستند که دیپلماسی امریکا همواره از پاسخ به آنها طفره رفته است. به هر حال خصومت اخیر هند و پاکستان درگیری و جنگ میان اسرائیل و فلسطین را ملایم‌تر نشان می‌دهد. علت این امر آن است که میزان دخالت بین‌المللی در خاورمیانه بیشتر از جنوب آسیاست و با آنکه گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه که با حمایت امریکا صورت گرفته نتوانسته به درگیری اسرائیل و فلسطین خاتمه دهد، تلاش‌های زیادی برای مهار خشونت در این منطقه صورت گرفته که به دو طرف امکان داده به فکر دستیابی به صلح

قطعی باشند. این در حالی است که چنین روندی برای دستیابی به صلح در جنوب آسیا وجود ندارد و برخلاف خاورمیانه بازی نهایی آن ممکن است با انتشار ابرهای قارچی ناشی از انفجار هسته‌ای تجلی یابد.

دیپلمات‌های قدیمی در دستگاه سیاست خارجی هند می‌دانند که سرمایه‌گذاری امریکا در جنوب آسیا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر اهدافی بیش از جنگ علیه تروریسم دارد. به عقیده هند کاملاً مشخص است جبهه‌گیری مثبت در برابر امریکا بهترین گزینه و انتخاب است (همان‌طور که «جی‌ان دی‌کسیت» وزیر خارجه سابق این کشور ابراز می‌دارد) که مطمئناً این جبهه‌گیری آغاز جنگی را که عملیات امریکا علیه تروریسم را به مخاطره می‌افکند و سربازان آن را تهدید می‌کند، دربر نمی‌گیرد.

با این وجود سیاستمداران هند که افکار عمومی به شدت از آنها حمایت می‌کند و از روند حملات تروریستی علیه اهداف هندی عصبانی و خشمگین هستند به این راحتی با مسائل کنار نمی‌آیند. در این بین «آتل بیهاری واجپایی» نخست‌وزیر هند پریشان و غمگین در آخرین لحظاتی که مشغول نوشتن نسخه‌ای برای بحران قومی-مذهبی کشور خود بود وارد بحران جدیدی شد. دو سال پیش وی در هیات «نیکسون» هند به چین رفت تا در مذاکرات صلح با پاکستان حضور یابد و زمانی که تلاش‌های وی به بن‌بست رسید وی به ایراد همان شعارهای نظامی حزبش که در مبارزات انتخاباتی مطرح شده بود پرداخت. واجپایی اکنون نیز به همان هشدارها روی آورده و گفته است ارتش هند باید آماده یک «جنگ سرنوشت ساز» باشد و قول داده است تا «فصل جدیدی از پیروزی» را در مقابل پاکستان بگشاید.

چندماه است که هند درگیر برگزاری انتخابات‌های سردرگم کننده‌ای شده و از قدرت جنگی خود برای پیشرفت طرح‌هایش در مورد کشمیر سخن به میان آورده است. این درحالی است که شورشیان تحت حمایت پاکستان به هند ضربه مرگ‌آوری را وارد کرده‌اند و خزائن آن را مورد تهدید قرار داده‌اند. علاوه بر این آنها با ارتش هند درگیر شده‌اند و شهرت آن را لکه دار نموده‌اند و خواسته‌ها و آرزوهای جهانی آن را تحت تاثیر و فشار قرار داده‌اند.

پس از حمله انتحاری که در ماه دسامبر سال گذشته علیه پارلمان هند صورت گرفت این کشور اطمینان یافت که ممکن است یک جنگ متعارف با پاکستان داشته باشد تا بتواند به حمایت اسلام‌آباد از افراط‌گرایان کشمیری پایان بخشد و فکر می‌کرد می‌تواند در این راه از فشارهای دیپلماتیک امریکا به عنوان اهرمی بهره بگیرد. اما چنین اقدامی انجام نشد. در این

حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شده جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا بهانه خوبی برای رقابت هند و پاکستان باشد و قدرت امریکا که به صورت استقرار هزاران نیرو در سراسر منطقه تجلی یافته نقش مهمی در طرح جنگ یا صلح میان این دو کشور دارد

بین ژنرال «پرویز مشرف» رئیس جمهور پاکستان به طور گسترده‌ای با امریکا در مورد جنگ علیه القاعده در افغانستان همکاری می‌کرد و گهگاه جاسوسان و ژنرال‌های امریکایی را در پاکستان تحت نفوذ قدرت و دیدگاه‌های مترقی خود قرار می‌داد. با این وجود وی به دلایل مختلف به رغم خواست شخصی خود مجبور شد تا علیه شبکه‌های تحت حمایت دولت پاکستان دست به اقدامات قاطعانه‌ای بزند. پس از سخنرانی «مشرف» در ۱۲ ژانویه که طی آن از جهادگری به عنوان وسیله‌ای در خدمت سیاست دولتی انتقاد کرد، ارتش پاکستان تمایل نشان داد تا فعالیت مبارزان کشمیری را تا حدی کاهش دهد. در عین حال وی در مصاحبه اخیری که با واشنگتن پست انجام داد خاطر نشان کرد درگیری‌های مرزی متوقف شده است. اما بسیاری اعتقاد دارند پاکستان ترجیح می‌دهد تا شبکه‌های تحت حمایت خود را به حالت تعلیق در آورد تا اینکه به نابودی آنها بپردازد.

«مشرف» در گفت‌وگوهای خصوصی با امریکاییان ابراز می‌دارد غرور ملی‌وسایست داخلی این کشور در شرایطی که هند آشکارا به تهدید نظامی پاکستان پرداخته، به وی اجازه نمی‌دهد دست به اقدامی غیر از این بزند. با این حال رئیس‌جمهور پاکستان و سخنگویان وی در انتظار عمومی اظهار می‌دارند در صورتی که هند به منظور قطع حمایت پاکستان از شبه‌نظامیان کشمیری این کشور را مورد تهاجم و حمله قرار دهد، پاکستان آماده است تا خود را برای رویارویی با یک جنگ هسته‌ای آماده نماید که البته این کزافه‌گویی پاسخی به اظهارات مبالغه‌آمیز هند است.

با این حال این امر ممکن است باعث اشتباه تمام پیش‌بینی‌های انجام شده گردد و واقعا یک جنگ هسته‌ای در منطقه رخ دهد.

بسیاری از ژنرال‌های پاکستانی از افراط‌گرایی به عنوان یک استراتژی مهم یاد می‌کنند و ارتش این کشور در حالی که اعتقاد دارد دشمنی با کشور قوی‌تر همسایه همچنان ادامه می‌یابد نیروهای تحت حمایت خود در کشمیر را قدرتی نیرومند می‌بیند که می‌تواند در مقابل خواسته‌های منطقه‌ای هند بایستد.

علاوه بر این برخی از ژنرال‌های پاکستانی روزی را پیش‌بینی می‌کنند که امریکا سرانجام دشمنان «القاعده» خود را دستگیر می‌کند و به عقب‌نشینی از منطقه جنوب آسیا می‌پردازد. همان‌طور که در مورد سایر درگیری‌های قبلی نیز چنین کرده است. بنابراین در آن زمان این نیروها هستند که پاکستان می‌تواند از طریق کمک آنها اقدام به تعقیب

خواسته‌ها و اهداف منطقه‌ای خود نماید. در «دهلی‌نو» خشونت و درگیری‌های هندوهای ملی‌گرا که متشکل از سه حزب افراط‌گرا هستند دقیقاً همان نقشی را دارند که گروه‌های تحت حمایت پاکستان برعهده دارند. با این حال رهبران هند آشکار ساخته‌اند آنها دنبال همسایه‌ای با ثبات و پیشرفته هستند و در حالی که سرگرم رقابت در مورد سیاست‌های دموکراتیک با این کشور هستند اذعان می‌دارند «مشرف» مانع از اجرای اقدامات عاقلانه و صحیح می‌شود.



به هر صورت اولین چالشی که مذاکره‌کنندگان امریکایی با آن روبه رو هستند قانع‌سازی هند برای توقف تهدیدات جنگی خود علیه پاکستان می‌باشد. از سوی دیگر آنها باید «مشرف» را تحت فشار قرار دهند تا از فرصت موجود برای خلع سلاح شبکه‌های جهادی در کشمیر بهره بگیرد. چنین اقداماتی ممکن است نیاز به مذاکرات سطح بالا داشته باشد که توسط امریکا تضمین شود و به هندوپاکستان کمک کند تا نیروهای خود را از مناطق مرزی به عقب براند و به سوی انجام مذاکرات سیاسی روی آوردند.

علاوه بر این ممکن است این امر نیاز به هشدار و ابلاغ پنهانی یا آشکار این نکته داشته باشد که منافع حیاتی امریکادر صورتی که هند و پاکستان آغاز به جنگ نمایند، در معرض خطر قرار می‌گیرند.

در این میان در صورتی که واقعا «مشرف» در جهت خلع سلاح شبکه‌های افراط‌گرای کشمیری نخستین گام را بردارد، هند موظف است تا حدی رفع انتقادهای گسترده داخلی پاکستان را مبنی بر آن که وی درصدد خیانت به آرمانهای ملی است، برعهده بگیرد و گفت‌وگوهای جدی دو طرفه‌ای را صورت دهد و به پاکستان اجازه دهد تا برای



حل و فصل مناقشه کشمیر تدابیر لازم را اتخاذ نماید. همچنین «دهلی‌نو» باید حداقل به طور پنهانی بپذیرد حتی قدرتمندترین دولتی که بر «اسلام‌آباد» حکومت می‌کند نیز قادر به ریشه‌کن کردن کامل تروریسم در کشمیر تحت کنترل هند نیست و حتی افراط‌گرایی که از حمایت بی‌شائبه پاکستان برخوردار بوده‌اند نیز عضو شبکه‌هایی هستند که متعلق به دولت خاصی نیستند و مکان خاصی ندارند.

در این میان، مانند خاورمیانه واقعیت سردرگم کننده و تلخ در مورد بحران جنوب آسیا این است که هند و پاکستان به خوبی می‌دانند برای جلوگیری از به خطر افتادن منافع ملی خود چگونه باید به کاهش درگیری‌ها بپردازند و در میان این بحران طرحی برای گفت‌وگوهای سازنده میان آنها نیز آشکارا توسط دو دولت ارائه شده است.

در این بین تنها انزجار و نفرت، ترس و تاریخ ناتمامی از جنگ و خونریزی و فرصت‌طلبی ممکن است راه دستیابی به صلح در منطقه را برای فرستادگان امریکا به منطقه جنوب آسیا مسدود نماید.